



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهرستان فسا

مرکز آموزشی درمانی بیمارستان حضرت ولی عصر (عج)

## عکس العمل والدین

## در مقابل دعوی فرزندان

تهیه: مریم مزیدی روانشناس بالینی

تنظیم: (رازیتا) بمشئی زاده

سوپروایزر آموزشی

دی ماه ۹۵



## دعوی بچه ها

با وجود تمام کوششهای والدین برای ایجاد یک محیط آرام و باصفا، باز خواهران و برادران از دست همدیگر عصبانی می شوند و با هم دعوا می کنند و بعد هم گله هایشان را پیش والدین می کنند.

در چنین مواقعی توجه داشته باشید که اختلافات بین بچه ها کاملاً طبیعی و در همه خانواده ها هست کودکان سعی می کنند از طریق مشاجره محدودده شخصی خود را شناخته و از آن دفاع کنند. بچه های کوچکتر میخواهند به خواسته خود برسند حتی اگر مجبور به تحمل ضربه یا درد باشند.

## علل دعوای خواهران و برادران:

### الف) تبیض و عدم رعایت عدالت بین فرزندان

با به دنیا آمدن فرزند دوم در حقیقت تاج از سر کودک اول برداشته می شود و حسادت و کینه کودک شروع می شود. اکثر ما تجربه کرده ایم که در مشاجرات غالباً، فرزند ضعیف تر به والدین پناه می برد و معمولاً آنها طرف ضعیف تر را می گیرند و همین باعث عصبانیت فرزند دیگر می شود و به مشاجره آنها دامن می زند، در این هنگام در فرزند قوی تر احساس خشم و عصبانیت شکل می گیرد. ظاهراً سکوت برقرار می شود ولی مطمئناً در نوبت بعدی او جبران خواهد کرد.

## ب) عدم توجه والدین به تفاوت های فردی

به رخ کشیدن مزیت و محاسن یکی از فرزندان به دیگری و عدم رعایت تفاوت های فردی نیز، احساسات آنان را تحریک و جریحه دار می نماید و درگیریها را به وجود می آورد. قصه حضرت یوسف که در قرآن کریم به تفصیل آمده نمونه روشن و آشکاری است بر اینکه اگر فرزندی به خاطر مزیت و صفت خوبی که دارد توجه بیشتری به وی مبذول گردد آتش حسد فرزندان دیگر برانگیخته خواهد شد و چه بسا فاجعه ای دردناک را به دنبال خواهد آورد.

## عکس العمل نوع اول

این گروه از والدین وانمود می کنند که اصلاً چیزی ندیده اند و نشنیده اند. پس از مدتی واقعا هم همه چیز آرام می شود. ممکن است هر دو بالاخره توافق کرده، دوباره با هم سازش پیدا کنند و موضوع مشاجره را فراموش کنند. اما این امکان هم وجود دارد که فرد بزرگتر، قوی تر یا زرنک تر حرفش را به کرسی بنشانند و حق فرد ضعیف تر، آرام تر، یا کوچکتر را کف دستش گذاشته باشد برعکس کودکی که سر تسلیم فرود آورده، تجربه می کند که قادر نیست از خواسته های حق خودش دفاع کند او ممکن است همیشه بدون مقاومت تسلیم شده و فردی ترسو و کم جرأت بار بیاید.

در این گونه مواقع اگرچه ظاهراً بین کودکان آرامش برقرار شده است اما مشکل آنها در حقیقت رفع نشده است.

### عکس العمل نوع دوم

مادر سراسیمه وارد اتاق کودکان می شود. در یک نگاه می بیند که کتاب جدید پاره شده و روی بدن کودک کوچکتر لکه کبودی دیده می شود.

در این حالت طبیعتاً از فرزند کوچکتر جانبداری می کند و گناه را به گردن فرزند بزرگتر می اندازد، او را سرزنش می کند و چند ضربه به پشت او می زند. فرزند بزرگتر احساس می کند که تحقیر شده و به ناحق با او رفتار شده است. اگرچه مادر از او قوی تر است، ولی او هم از فرزند کوچکتر قوی تر است! و بالاخره فرصتی خواهد یافت که این موضوع را بر سر برادر کوچکتر تلافی کند، زیرا او دعوا را شروع کرده بود و با فریاد کشیدن، مادر را باخبر ساخته بود بنابراین او مقصر است. کودک کوچکتر برعکس احساس خواهد کرد که اگرچه از برادر بزرگتر ضعیف تر است، ولی هر بار که چیزی مطابق میلش نیست می تواند فریاد بزند و مادر را به کمک بطلبد تا برادر بزرگتر را تنبیه کند! او از گریه به عنوان اسلحه ای استفاده خواهد کرد تا بر اطرافیان خود تسلط پیدا کند.

### عکس العمل نوع سوم

مادر به طرف اتاق بچه ها می رود و فریاد می کشد: «دیگر حوصله ام از مشاجره دایم شما سررفته. دیگر حاضر نیستم شاهد آن باشم. بس کنید، امروز ظهر به هیچ کدامتان بستنی نخواهم داد و اجازه تلویزیون تماشا کردن هم ندارید.»

در اتاق بسته می شود، کودکان واقعا جا خورده اند، اما مشکل آنها حل نشده است. هر یک از آنها خود را محق و دیگری را مقصر می داند. «تقصیر توست که به من بستنی نمی دهند! به خاطر حماقت توست که من نمی توانم تلویزیون تماشا کنم!» و دوباره جدال دیگری شروع می شود. تصمیمی که مادر گرفته در واقع مشاجره جدیدی را پایه ریزی کرده و بر مشکل آنان افزوده است.

### راه مله‌ای مناسب جهت پایان دادن به مشاجرات

#### کودکان

\* موقعی که می خواهید میانه دعوا را بگیرید مراقب باشید هیچ یک از بچه ها به سبب فرزند اول یا آخر یا وسطی و یا دختر و پسر بودن مورد حمایت خاص واقع نشوند.

\* در موقع مشاجره کودکان نباید از کوره در رفت. اغلب کودکان برای حل واقعی مشکلات و تضادهای خود به کمک والدین نیازمندند.

شاید مادر بتواند در زمان دعوا به اتاق کودکان وارد شده با آرامش، کمی در آنجا خود را مشغول سازد. بدین ترتیب بهتر می تواند دریابد که مشکلات در کجا قرار گرفته اند تا بتواند در باره آنها با کودکان خود صحبت کند.

\* به دنبال کشف علت دعوا باشید و سپس سعی کنید همانند یک قاضی بیطرفانه قضاوت نموده و حتی الامکان بین آنان صلح و آشتی برقرار سازید.

\* والدین هرگز به هنگام دعوا به کودک خود پند و اندرز ندهند که آنکه عاقل تر است، تسلیم می شود. چون نه تنها او را برای زندگی واقعی پرورش نمی دهند بلکه یاد می گیرد که همیشه در برابر خواسته‌های منطقی و غیر منطقی دیگران تسلیم شود.

\* فرزندان را بدون کتک تربیت کنید تا آنها هم، در مشاجرات خشونت و تنبیه را به کار نبرند.

\* والدین باید به بچه ها اجازه بدهند به تنهایی مشکلاتشان را حل کنند و نباید همیشه در مشاجره بچه ها دخالت کنند. مشاجره بین خواهران و برادران یک چیز طبیعی است و بدین ترتیب آنها رفتارهای اجتماعی را می آموزند.

\* اگر در محل دعوا حضور نداشته اید و واقعا نمی دانید چه اتفاقی افتاده است، در این صورت هیچ یک از بچه ها نباید اجازه داشته باشند که کاری را که دعوا بر سر آن بوده انجام دهند.